

به طوری که حتی با وجود واژه نامهٔ نسبتاً کامل کتاب هم دانشجو نمی‌تواند برای مثال این غزل حافظ: «سالها دل طلب جام از ما می‌کرد / آنچه خود داشت ز بیگانه تمنا می‌کرد» (ص ۶۷) را بدون کمک راهنما و معلم دریابد. برای نوآموز، این کتاب وقتی کامل و مفید است که آقای تکستون خود همراه با آن حضور داشته باشد. درحقیقت با این کتاب معلم به خانه‌ها فرستاده نشده است (اشاره به قول دکتر استعلامی که در سخنرانی<sup>۲</sup> مربوط به انتشار و تصحیح مثنوی مولوی اظهار داشت که من با این کارم معلم را به خانه‌ها فرستاده‌ام) بلکه این کتابی است که شاگردان بیشتری را به کلاسهای آقای تکستون روانه خواهد کرد.

انستیتی خاورمیانه، واشینگتن دی. سی.

#### یادداشتها:

۱ - در مورد کاربرد «را» آقای تکستون رجوع می‌دهد به کتاب «مقدمه‌ای بر فارسی» (An introduction to

Persinn) تألیف خودشان ص ۱۱۷.

۲ - امپراطوری مغول (Mughal or Mogul Empire) در قرنهای ۱۵ و ۱۶ میلادی بر قسمت وسیعی از هندوستان حکمفرمایی داشت. بابر - شاهزادهٔ افغانی - در سال ۱۵۲۶ این امپراطوری را پایه‌گذاری کرد و بعد از او فرزندانش اکبر شاه، شاه جهان (کسی که تاج محل به امر او ساخته شد) و اورنگ زیب سالها بر هندوستان حکم راندند. حکومت آنها نمونه‌ای شد از شکوه و جلال برای منطقهٔ آسیا و مظهری از صلح، نظم و پایداری. مغولان فرهنگی به وجود آوردند که آمیخته‌ای بود از فرهنگ خاورمیانه همراه با عوامل هندی. زبان آنها فارسی و دین آنان اسلام بود.

بعد از مرگ اورنگ زیب حکومت آنها از هم پاشیده شد. با این همه، تا استعمار هندوستان به دست انگلیسی‌ها (قرن هیجدهم) بر قسمت کوچکی از دهلی حکمرانی داشتند.

۳ - این سخنرانی تحت عنوان «برخورد مولانا با شمس» در تاریخ ۱۸ مه ۱۹۹۲ در دانشگاه تاونسون (Towson) در ایالت مری‌لند انجام شد.

#### تورج دریائی

Gean Kekkens  
Zoroastre et L'Avesta Ancien  
Quatre Lecons au College de France  
Peeters Louvain, Paris (1991)  
70 pp.

«زرتشت و اوستای باستانی»

تألیف جین کلنز

بیش از دو قرن از مطالعهٔ گاهان (گات‌های) زرتشت در غرب می‌گذرد. اما مطالعات قابل توجه در این زمینه متعلق به پنجاه سال اخیر است. یکی از این تحقیقات برجسته از

آن جین کلنز (Jean Kellens) ایران‌شناس و محقق فرانسوی‌ست. وی در سال ۱۹۹۱ در کالج فرانسه درباره گات‌ها چهار سخنرانی کرد که به صورت کتاب «زرتشت و اوستای باستانی» (چهار رساله در «کالج دوفرانس») منتشر گردید. مجموعه این سخنرانیها آراء و برداشت‌های متفاوت کلنز را از سایر ایران‌شناسان در زمینه چگونگی گات‌ها نشان می‌دهد. لازم به یادآوری‌ست که طی پنجاه سال اخیر چهار ترجمه ارزنده از گات‌ها صورت گرفته که هر یک با دیگری از نقطه نظر برداشت مترجمان نسبت به مفهوم سرودها و همچنین نقش کارکرد آنها در دین زرتشت متفاوت است.

در سال ۱۹۵۹ هلموت هومباخ (Humbach) ایران‌شناس آلمانی ترجمه جدیدی از گات‌ها را با استفاده از شیوه‌های شناخت «ریگ‌ودا» منتشر ساخت که گرچه روشنگر ساختار کلام و تفسیر جدیدی از این سرودها بود اما هنوز از نظر ترجمه، اثری گنگ و مبهم محسوب می‌شد. ترجمه دیگر گات‌ها توسط استنلی اینسler (Stanley Insler) در سال ۱۹۷۵ بسیاری از نارساییهای ترجمه هومباخ را رفع کرد. سومین ترجمه از جین کلنز شاگرد هومباخ بود که در سال ۱۹۸۸ منتشر شد و چهارمین ترجمه بار دیگر از آن هلموت هومباخ بود که با تجدیدنظرهای کلی در اولین ترجمه خود در سال ۱۹۹۱ انتشار یافت.

اختلاف عمده‌ای که در این ترجمه‌ها دیده می‌شود، چنان که اشاره گردید، برداشت‌های متفاوت و نظرگاه‌های شخصی هر یک از مترجمین نسبت به گات‌هاست تا حدی که گویی هر یک از آنان کتاب متفاوتی را ترجمه کرده است. گرچه دلیل عمده این تفاوتها نامعلوم بودن قسمت زیادی از سرودهای زرتشت است، اما اختلاف نظر اساسی هومباخ و کلنز با اینسler در چگونگی این سرودها می‌باشد. برخلاف اینسler که گات‌ها را حاوی نگرشی معنوی و عرفانی می‌داند، هومباخ و به‌ویژه کلنز آنها را سرودهای تشریفاتی مذهبی می‌خوانند که تنها برای اجرای مراسم زرتشتی سروده شده است.

جین کلنز در کتاب خود، موفق شده است تا سرودهای اوستا را از دیدی اجتماعی - سیاسی مورد مطالعه قرار دهد. به نظر من، بعد از کتاب «دینهای ایران باستان» (*Die Religionen des Alten Iran*) نوشته نیبرگ (Nyberg)، کتاب حاضر باورهای سنتی اوستاشناسان و ایران‌شناسان را درباره زرتشت، زندگی و پیام او از بنیاد دگرگون کرده است.

نخستین بخش کتاب کلنز درباره سرودها، دومین بخش درباره خدایان، سومین

بخش درباره آداب نماز، و چهارمین بخش آن مربوط به اشخاص نامبرده در گات‌هاست. کلنز در بخش اول کتاب خود نشان می‌دهد که چگونه ابتدا متن اوستا به صورت شفاهی نقل می‌شد و سپس به کتابت درآمد. وی نظریه قدیمی مبنی بر وجود نسخه‌های خطی در زمان اشکانیان را رد می‌کند و همچون کارل هوفمن (Karl Hoffman) معتقد است که متن اوستایی که امروز در اختیار ماست، نمی‌تواند متعلق به قبل از قرن پنجم میلادی باشد، زیرا اگر اوستا در آن زمان نوشته شده بود بی‌شک همچنان که در دوره هخامنشیان و ساسانیان تحت تأثیر زبان روزمره فارسی قرار گرفت و تغییر کرد، تحت نفوذ زبان پارتی "Vulgate" نیز قرار می‌گرفت. کلنز معتقد است نخستین نسخه خطی گاهان مربوط به سده‌های نهم یا دهم میلادی است که در غرب ایران نوشته شده و تحت نفوذ زبان روزمره فارسی قرار گرفته است و از این رو به لحاظ چگونگی تلفظ، ویژگی‌های اصیل زبان اوستا که متعلق به شرق ایران بود، از بین رفته است (ص ۱۳).

کلنز اوستای قدیم را به دلیل اختلاف زبانی به دو دوره تقسیم می‌کند. او این اختلاف را در دستور زبان و چگونگی کاربرد ضمائر و همچنین فضا و موضوع حکایات می‌بیند. او معتقد است که برخلاف گات‌ها در یسنا هیتان‌های تی، نامی از زرتشت یا از نبرد و نزاع و دشمنی برده نشده است و دیگر این که در یسنا هیتان‌های تی، از «ما» و در گات‌ها از «من» سخن می‌رود. به همین دلیل کلنز یسنا هیتان‌های تی را سروده زرتشت نمی‌داند و آن را مکتب فکری جدیدی می‌خواند که پس از زرتشت به وجود آمد (ص ۲۰).

در بخش دوم کتاب، کلنز از وجود خدایان و مسأله پیچیده امشاسپندان در گات‌ها سخن می‌گوید. پیش از کلنز ایران‌شناسانی چون لومل (Lomell) و بویس (Boyce) با اتکاء بر متون پهلوی بر این عقیده بودند که هر یک از امشاسپندان، شخصیت وجودی یک عنصر طبیعی چون زمین و گیاهان و... اند (ص ۲۸). همچنین دمیزیل (Dumezil) نیز مطابق تئوری تقسیم‌بندی اجتماعی هند-اروپایی، امشاسپندان را به طبقات گوناگون متعلق می‌دانست. به طور مثال Aša و Vohu Manah متعلق به طبقه مذهبی، xšaθra متعلق به طبقه جنگجویان و Hauruualat و Amərəta متعلق به طبقه کشاورزان و دامداران بودند. کلنز در کتاب خود به نفی و انتقاد این نظریه قدیمی پرداخته است و نشان می‌دهد که طبق آن نظریه معلوم نیست که Armaiti در کدام طبقه قرار می‌گیرد. او ضمن بازگو کردن نظریه نارتن (Narten) اعلام می‌کند که در گات‌ها، امشاسپندان یک سیستم مشخص ندارند و تنها در اوستای جدید است که به سیستمی

منظم درمی آیند (۲۰). به نظر کلنز در گات‌ها تثلیث *Vohu Manah* و *Armaiti, Aša* حکمفرماست. حال آن که در زمان یسنا هپتان‌های تی و بعد از آن، یک گروه سازمان داده شده هفتی که امروزه نیز در دین زرتشتی پیدا می‌شود معمول بوده است (ص ۴۰). در بخش سوم کلنز درباره مناجات یا *Liturgie* در دین زرتشت بحث می‌کند و معتقد است که یسنا هپتان‌های تی و گات‌ها مانند وداها قسمت‌هایی از مناجات هستند. اما تفاوت آنها با وداها در نحوه مناجات‌ها و مراسم و تشریفات مذهبی مربوط به قربانی کردن *Ceremonie Sacrificielle* است (ص ۵۱).

بخش چهارم و مهمترین بخش کتاب نظرات کاملاً متفاوت و افراطی کلنز را دربردارد. بنا بر عقیده او هفده سرود گات‌ها یک کتاب هماهنگ نیست (ص ۵۸). او معتقد است کلیه اطلاعاتی که ما درباره زرتشت و زندگی او و اطرافیانش داریم، اسطوره‌ای بیش نیست که بیشتر در فضای ساخته و پرداخته شده شاهنامه، زواج یافته است. به‌ویژه که اوضاع اجتماعی زمان واقعی گات‌ها مطلقاً نامعلوم است. کلنز عقیده دارد شاه یا فرمانروا خوانده شدن کوی یا کی، گشتاسب (ویشتاسب) در شاهنامه و در اوستا، ساخته تاریخ است و حقیقت ندارد. از لقبش *Sk. Kavi / Av. Kauui* پیداست که شخصیتی مذهبی و پسر زرتشت است (ص ۶۵).

کلنز حتی زرتشت را سراینده تمام گات‌ها نمی‌داند زیرا که معتقد است در پانزده باری که نام زرتشت آمده، تنها یک بار به ضمیر اول شخص مفرد، یک بار به صورت دوم شخص مفرد، دوازده بار به صورت سوم شخص مفرد، و یک بار نیز به صورتی که هنوز نامعلوم مانده، به کار رفته است. از نظر کلنز، گات‌ها سرودها و تشریفات یا *rituelle* می‌باشد که اندیشه مشترک مذهبی گروه یا دسته‌ای خاص را نمایش می‌دهد (ص ۶۳). او زرتشت را دانشمندی می‌داند که علم الهی را به سایرین منتقل کرده است (ص ۶۵).

به یقین نظریات کلنز موجی از مخالفت را در میان ایران‌شناسان متعصب و معتقدان دین زرتشت برانگیخته است و یا برخواهد انگیزت، اما آنچه مسلم است او از معدود ایران‌شناسانی است که نسبت به سروده‌های زرتشت، به‌خصوص از لحاظ دستوری و ساختار کلام احاطه و آشنایی کامل دارد. کتاب *Les-textes vieil-Avestiques* و *Le nome Le Verbe Avestique* و *Racines De L'Avesta* درک عمیق او را نسبت به اوستا نشان می‌دهد. با این همه برخی از نظرات کلنز جای انتقاد نیز دارد.

در سال ۱۹۰۲ تئوری امکان بازنوشت اوستای دوران اشکانی توسط آندرئاس (Andreas) مطرح شد. این تئوری در ۱۹۴۲ از طرف هنینگ (Henning) به این دلیل

که خط اوستائی ساخته دوران ساسانی است به طور قاطعی رد گردید. کلنز گوشزد کرده که اوستای اشکانی هرگز وجود نداشته است و اگر وجود داشت از نفوذ زبان عامیانه پارتی در امان نمی ماند، در صورتی که کاملاً روشن است که نویسندگان اوستا در دوران ساسانیان، موبدان فارسی زبان بوده اند.

چنان که قبلاً نیز گفته شد کلنز در بخش سه و چهار گفتار خود تمام گات‌ها و یسنا هپتان‌های تی را چیزی جز رسالاتی که برای تشریفات مذهبی به کار می رفته اند، نمی داند. وی در ترجمه خود از گات‌ها، در هشتاد و نه مورد کلمه تشریفات یا *rituelle* را بر متن افزوده است. حال آن که روشن نیست وی بر طبق کدام دلایل و شواهد خود را محقق دانسته که در آن موارد این کلمه را اضافه کند و چرا از افزودن این کلمه در موارد دیگر خودداری کرده است؟ او گاه کلمات دیگری نظیر *existence rituelle* (هستی - تشریفات مذهبی) و یا *actes rituelle* (اعمال تشریفات مذهبی) را نیز می آورد که به نظر من تا حدودی گنگ و مبهم هستند.

عده‌ای بر این باورند که دین هند-ایرانی چیزی جز تشریفات مذهبی نیست. بدون تردید مقدار زیادی از کتب و قوانین زرتشتی، درباره مراسم و تشریفات مذهبی است که موجب استواری این دین نیز گشته است. اما سؤال اساسی در این است که چگونه یک دسته تشریفات مذهبی صرف و خالی از هرگونه پیام معنوی و روحانی همچون دیگر مذاهب تک‌خدایی، چنان نفوذ و قدرتی داشته است که توانسته تا به امروز بخشی از مردم جهان را به خود جلب کند؟ شاید نظر ریچارد فرای (Richard Frye) مبنی بر تقسیم بندی مذهب زرتشت به اصول اخلاقی، تشریفات مذهبی و قوانین مربوط به نظافت و پاکی، بیش از نظر کلنز قابل قبول باشد.

آخرین مورد پرسش برانگیز در این کتاب، نظر کلنز درباره خصوصیت مذهبی کی گشتاسپ و نسبت فرزندی او به زرتشت است. اگرچه هنوز مقام و موقع و زمان حضور کوی‌ها کاملاً معلوم نیست، اما نسبت دادن کی گشتاسپ به فرزندی زرتشت از مواردی است که مطلقاً روشن نیست و پذیرش چنین ادعایی، نیازمند ارائه اسناد و شواهد دیگری از طرف کلنز است. چرا که زیربنای این فرضیه تنها بر حسب یسنا ۵۳.۲ و حرف ربط *cā* به وجود آمده است. *kauuacā vištāspō # zarathuštriš # spitāmō # fərašaōstrascā* «وکوی ویشاسپا، زاده زرتشت اسپتاما - و فرشوشترا» (یسنا ۵۳.۲). این بخش از نظریه کلنز چندان قوی و قابل قبول نیست و به سختی می توان پذیرفت که تنها برای *cā* تمام اسطوره‌ها و داستانهای مربوط به زرتشت رد

شوند. زیرا اگر ملاک فقط حرف ربط  $cā$  باشد، با موقعیت دستوری این حرف در عبارت، فرسوشتر را نیز می‌توان زاده زرتشت خواند. به گمان من جای تردید است که ایران‌شناسان این بخش از نظریه کلنزا را به آسانی بپذیرند.

بخش مطالعات خاورمیانه، دانشگاه کالیفرنیا، لوس آنجلس



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی